

بزرگداشت روز جهانی فلسفه  
سلامتی و زندگی خوب: رویکردهای نظری  
دوشنبه، ۱۰ آذرماه ۱۳۹۹

فلسفه و خوشبختی

مسعود زنجانی

پژوهشگر فلسفه

[masoud4474@gmail.com](mailto:masoud4474@gmail.com)

فلسفه در تلقی و تعبیر فلاسفه باستانی، مجموعه‌ای از آموزه‌های انتزاعی یا فعالیت‌های نظری نبوده است؛ چنانکه صرفاً وسیله‌ای برای «دانستن یا شناختن» قلمداد نمی‌شده است. در واقع، فلسفه باستانی، یک شیوه «ورزیدن یا زیستن» ضروری برای «زندگی سعادت‌مندانه» بوده است. یکی از بحران‌های جدی عصر جدید «بحران فلسفه» است. در واقع، فلسفه‌ای که رسالت تاریخی‌اش «بحران‌زدایی» بوده، اکنون، خود «بحران‌زده» و حتی «بحران‌زا» شده است؛ از خاستگاه اصیل تاریخی و جایگاه رفیع فرهنگی خود دورگشته؛ نیروی روشنگر و درمانگرش را از دست داده است؛ و از فروکاسته شدنش به یک فعالیت صرفاً «نظری»، یا یک رشته «دانشگاهی»، و یا یک جلوه «روشنفکری» رنج می‌برد. باری، به قول دیوید ثورو و پیر آدو، «امروزه پرفسورهای فلسفه داریم، اما فیلسوف نداریم!». افلاطون، سیسرون و مونتینی به ما می‌آموزند که فلسفه «هنر خوب زندگی کردن» و «هنر خوب مُردن» است. چنانکه، در نظرگاه ارسطو و اپیکور، غایت و ضرورت فلسفه‌ورزی چیزی کمتر از «خوشبختی» انسان نیست. بنابراین، می‌توان گفت: «فلسفه» چیزی نیست جز «خردورزی ضروری آدمی برای خوشبختی خویش». از این منظر، تاریخ فلسفه را می‌توان تاریخ کوشش‌های نظرورزانه و متأملانه برای دفاع از «زندگی» و بهبود عملی آن، و نهایتاً کمک به «خوشبختی» آدمی دانست؛ چنانکه با نیچه می‌توان هر فیلسوف را یک «طبيب فرهنگي» خواند که به شیوه و به نوبه خود، می‌کوشد تا «خوشبختی» را برای عصر خویش ارمغان آورد. باری، «خوشبختی»، چیزی جز «جستجوی خردورزانة خوشبختی» و «گفتگوی دوستانه پیرامون آن»، یعنی «فلسفه‌ورزی»، نیست.

واژگان کلیدی: فلسفه‌درمانی، خوشبختی، زندگی خوب، فلسفه برای زندگی، مونتینی، پیر آدو